

صبر

پایداری در برابر دشواریها

دکتر محمد مهدی رکنی یزدی

ناظمه رکنی یزدی

چکیده

صبر واژه‌ای است که همچون پاره‌ای از دیگر واژه‌های دینی دستخوش بدفهمی و دریافت نادرست قرار گرفته است که از این ناحیه ممکن است بخشی از بدنه دین آسیب ببیند. در این مقاله تلاش شده ضمن بحث واژگانی، برداشت درستی از این مفهوم با استناد به متن قرآن و چند حدیث، ارائه شود و اینکه صبر در درون انسان مؤمن نیروی مثبت تولید می‌کند تا در رویارویی با دشواری‌ها عقب‌نشینی نکند و بلکه آن را پلکان رشد و ترقی برای معرفت بیشتر پروردگار و موفقیت در کارها قرار دهد و از این طریق بر استحکام ایمان خود بیفزاید.

همین فریاد که نشان ناراحتی است اگر بلند نشود ریه‌ها باز نمی‌شود و تنفس آغاز

درد و رنج انسان از زمان تولد آغاز می‌شود، دردی که از آن گزیر و گزیری نیست، زیرا هوا که با فشار یک اتمسفر از راه بینی وارد ریه می‌شود برای نوزاد غیرعادی است و فریادش را بلند می‌کند. اما

ویرایش جدید و گسترش یافته یک بحث از پایان‌نامه‌ای است با عنوان «عرفان عملی بر پایه صحیفه سجاده».

نمی‌گردد و خطر خفتگی را در پی دارد^۱.

این نخستین درسی است که دستگاه هوشمند آفرینش به انسان می‌دهد، و می‌فهماند که درد و ناراحتی و گریه و فریاد پس از آن، زندگی و زیستن را به دنبال می‌آورد، و تا کودک رنج زاده شدن و فشار هوا را تحمل نکند نفس کشیدن و زنده ماندنش ممکن نیست. یکی از معانی آیه ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾^۲: «به راستی انسان را در رنج آفریده‌ایم» از همین رو ابتدا تا انتهای حیات با سختی و رنج کشیدن - که البته ورزشی و پختگی و تکاپو و تکامل را در بر دارد - توأم است.

تأمل در رویدادهای طبیعی - که از اختیار بشر بیرون است - نیز نشان می‌دهد که دنیا در ذات خود با رنج و مصیبت و بلا در آمیخته است، و خوشی کوتاهش با ناخوشی و سرور اندکش با اندوه همراه است. در جهانی این‌گونه برای هر متفکری دو پرسش پیش می‌آید: نخست اینکه چرا حیات دنیوی چنین است؟ دوم اینکه در چنین عالمی و چنین شرایطی چه باید کرد؟

پرسش نخست به تفصیل در فلسفه اسلامی و علم کلام در باب عدل الهی طرح و جوابهایش گفته شده.^۳ آنچه به اشاره در اینجا می‌توانیم بگوئیم این است که رنج و

درد لازمه جهان مادی و زیست دنیوی است، مانند مثالی که درباره نوزاد آوردیم، که فشار هوا و جو محیط بر زمین، آماده‌ساز این گوی گردان است برای زندگی انسان و حیوان، اگر چه این فشار برای نوزاد دردآور است و سبب فریاد کشیدن می‌شود، ولی همین فریاد «استارت» یا شروعی است که به ریه‌های بسته او زده می‌شود تا باز شود، و بعد - به حکمت آفریدگار - به طور خودکار شروع به حرکت و جذب اکسیژن و دفع گاز کربنیک کند تا زمان مرگ. اما حوادثی چون زمین لرزه و سیل و بیماریها و دیگر بلاها اولاً تشبیه و تَنْبِهی است برای بشرِ غافل متکبر، که شاید به خود آید و خدا را به یاد آورد، و با همه پیشرفتهای علمی که کرده به ضعف و زبونی

۱- نلسون، نوزادان، ترجمه دکتر محمد بنی‌فضل...
زیر نظر دکتر سید علیرضا مرندي، جهاد دانشگاهی
علوم پزشکی تهران، بهار ۱۳۷۱، «اولین نفس»،
ص ۱۵۵.

۲- سورة البلد / ۴. برای تفسیر آن رک: السيد محمد
حسین الطباطبائي، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰/۲۹۱.

۳- استاد شهید و متفکر گرانقدر مرتضی مطهری در
کتاب عدل الهی این پرسش را مطرح کرده، چندین
پاسخ خردپذیر و قانع کننده داده است، که طالبان را
به آن ارجاع می‌دهم، رک: عدل الهی، انتشارات
اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)، پاییز ۱۳۶۱،
ص ۱۲۶ - ۱۳۶.

خویش در برابر عظمت آفرینش پی برد و راه راستی و عدالت در پیش گیرد. ثانیاً این مصائب و بلاها سبب جهش و کوشش علمی بشر شده و انگیزه اختراعات و اکتشافات گوناگون گشته است، بنابر این فواید زیادی هم داشته. ثالثاً شری که در جهان می بینیم در سنجش با وجود خودمان آنها را بد می شمريم، در حالی که برای خودشان و یا در نظام کلی عالم بد نیست. این گونه قضاوت ناشی از حُب ذات و خودخواهی آدمیزاد است نه واقع بینی. مولوی در این باره می گوید:

زهر مار آن مار را باشد حیات
لیک آن، مر آدمی را شد ممات
پس بد مطلق نباشد در جهان

بد به نسبت باشد، این را هم بدان
سؤال دوم که مهمتر است و تعیین کننده رفتار ما می باشد چگونگی رویارویی با آلام و مصائب است. جواب کلی که در تعلیمات اخلاقی و عرفانی ما داده می شود صبر و شکیبایی ورزیدن و استقامت است، و از جنوع و بی تابی پرهیز کردن و در علاج واقعه و درمان درد بر آمدن. قبل از نقل شواهد باید معنی اصلی صبر را بدانیم، سپس اهمیتش را در نظام اخلاقی و عرفان اسلامی بیان کنیم. راغب اصفهانی کاربرد اولیه و معنی

اصلی «صبر» را چنین تعریف می کند:
«الإمساكُ في ضيق. يُقالُ صَبَرْتُ الدَّابَّةَ حَبَسْتُهَا بلا علف...»^۱: صبر نگهداری در جای تنگ است. می گوید «صَبَرْتُ الدَّابَّةَ»؛ یعنی حیوان را در جایی بی علف حبس کردم.

اما در اصطلاح شرعی، بازداشت و حبس نفس است در عمل به آنچه عقل و شرع حکم می کنند یا ترک آنچه عقل و شرع از آن نهی کرده اند.^۲ این مفهوم کلی در موارد و مواضع گوناگون به نامهای مختلف خوانده می شود که علمای لغت و اخلاق آنها را شماره کرده اند.^۳ ترجمه آنچه فیض کاشانی در این باره نوشته به شرح زیر است:

صبر لفظ عامی است که نامش بر حسب اختلاف موردش فرق می کند: اگر ضبط نفس (خویشتن داری) در کارهای دشوار یا

۱- الحسين بن محمد المعروف بالراغب الاصفهاني، المفردات في غريب القرآن، تحقيق و ضبط محمد سيد كيلاني، المكتبة المرتضوية، طهران، ۱۳۳۲ ش.

۲- همان.

۳- رک: المفردات؛ أقرّب الموارد، ذیل واژه «صبر» که با اندک تفاوت با آنچه در المفردات و الحقایق آمده آن نامها و مواردش را ذکر کرده است، و ما از کتاب الحقایق في محاسن الأخلاق آنها را نقل می کنیم.

پیشامدهای ناخوشایند باشد «صبر» گفته می‌شود و ضد آن «جزع» و بی‌تابی است. اگر در معرکه جنگ باشد «شجاعت» نامیده می‌شود. که ضدش «جبن» است. در فرو خوردن خشم «حلم» گفته می‌شود و ضدش «غضب» است. در تحمل مصائب و بلاها «سعه صدر» و تاب تحمل نامیده می‌شود و ضدش «ضجرت» یا تنگدلی و به ستوه آمدن و ملول شدن است. صبر اگر در مخفی کردن امری و نگفتن سخنی باشد «کتمان» و ضدش «إذاعه» یا فاش کردن خبری است. اما خویشتن‌داری در برابر زوائد زندگی و تجملات، «زهد» و بی‌رغبتی به زرق و برق دنیاست که ضدش «حرص» و افزون‌طلبی است.^۱

از آنچه نقل شد عرصه وسیع «صبر» در میان فضایل انسانی نمودار می‌شود و به اهمیت این خصلت در رشد اخلاقی و تعالی روحی انسان پی می‌بریم و می‌بایم که سلامت خانواده، برخوردهای سالم در جامعه و مقاومت در میدان مبارزه و دیگر کمالات فردی و اجتماعی به صبر بستگی دارد، به این جهت در آیات و روایات بسیار به آن توصیه و تأکید شده و حتی به زبان دعا از خدا خواسته شده است. اکنون به نقل نمونه‌ای از احادیث و آیات - با دسته‌بندی

موضوعی - می‌پردازیم:

اهمیت صبر در احادیث

دانستیم صبر نقش مهمی در ایفای وظایف عبادی، اخلاقی و اجتماعی سالک الی‌الله دارد، به این جهت حضرت علی بن حسین زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: نسبت صبر به ایمان مانند جایگاه سر است نسبت به تن، هر که صبر ندارد ایمان ندارد.^۲

این حدیث با اندک تفاوت لفظی از حضرت صادق علیه السلام^۳ و حضرت علی علیه السلام^۴ هم نقل شده و مهم بودن آن را در نظام اعتقادی اسلام می‌رساند.

از حدیث‌های دیگر که اهمیت صبر را در مقابله با گرفتاری‌ها می‌رساند حدیثی است که

- ۱- فیض کاشانی، الحقایق فی محاسن الأخلاق، تصحیح و تحقیق سیدابراهیم میانجی، مکتبه الاسلامیه، طهران، شوال ۱۳۷۸، ص ۱۳۸ - ۱۳۹.
- ۲- محمد بن یعقوب کلینی الرازی، الأصول من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، طهران، چاپخانه حیدری، الجزء الثانی، باب الصبر، ص ۸۹، ح ۴.
- ۳- همان، حدیث ۲ و ۵.
- ۴- حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، حکمت ۸۲، به پنج فضیلت مهم توصیه می‌فرماید که پنجمین آنها صبر است، و اهمیتش - مانند حدیث قبلی - به همان تمثیل گفته شده.

از حضرت صادق یا باقر علیهما السلام (به تردید راوی) نقل شده که فرمودند:

«مَنْ لَا يُعِدُّ الصَّبْرَ لِتَوَائِبِ الدَّهْرِ يَعْجُزُ»^۱: هر کس برای رویارویی با سختیها و بلاهای روزگار «صبر» را آماده نکند در می ماند.

بنابر این در دنیایی که بالاخره بلا و گرفتاری و درد و بیماری وجود دارد برای آنکه در مانده و بیچاره نشویم باید جایگاه بلند صبر را در میان محاسن اخلاقی بیابیم و به یاری پروردگار به آن دست یابیم تا در هجوم بلاها و حوادث ناگوار در نمانیم. در این باب روایت زیر قابل تأمل است.

اگر نه آن است که صبر پیش از بلا خلق شده، مؤمن [در برخورد با حوادث] متلاشی می شد، چنان که تخم مرغ از برخورد به روی سنگ خارا می ترکد.^۲

پسندیده است، ولی بهتر از آن صبر در برابر کارهایی است که خدا بر تو حرام کرده.^۳

در این حدیث آشکارا می بینیم صبر نوع اخیر به معنی «نیروی بازدارنده» است، اما در مورد نخست (صبر در مصیبت) «نیروی پایداری و مقاومت» می باشد^۴، و به هر صورت قدرت و توانایی روحی است بر اجرا یا ترک کاری.

تقسیم دیگری هم از صبر شده است، به این عبارت که حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرمایند که صبر سه گونه است: صبری هنگام مصیبت، صبر بر طاعت خدا و صبر از معصیت^۵؛ و اجر صبر در برابر گناه - یعنی حبس نفس - را برتر از آن دو نوع دیگر شمرده اند، که تأییدی است بر حدیث قبلی.

انواع صبر

با آنکه «صبر» یک خصلت و صفت پسندیده اخلاقی است، اما بر حسب مواردی که باید کاربرد و شکیبایی ورزید در احادیث دو یا سه گونه شمرده شده: از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که فرمود: صبر دو نوع است: صبر در مصیبت که نیکو و

۱- الأصول من الکافی، ج ۲، ص ۹۳، ح ۲۴.

۲- همان، ص ۹۲، ح ۲۰.

۳- همان، ح ۱۱، در دنباله حدیث است: یاد خدا نیز دو گونه است: یاد خدا هنگام مصیبت و گرفتاری، ولی برتر از آن یاد خداست هنگام رویارویی با حرام، که این یاد مانع تو از گناه شود.

۴- در اقرب الموارد ذیل ماده «صبر» آمده صَبْرَتٌ عَلٰی کَذَا: حبسها.

۵- الأصول من الکافی، ج ۲، باب الصبر، ص ۹۱، ح ۱۵ با تلخیص.

صبر جمیل

توصیفی است که در سوره یوسف (آیه ۱۸) از بردباری حضرت یعقوب در فراق فرزند دل‌بندش آمده. خدای تعالی به پیامبر خاتمش نیز امر می‌فرماید که در برابر منکران بعث و قیامت و لجاج آنها، صبر جمیل پیش گیرد و نیکو شکیبایی کند: ﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ (معارج / ۵)؛ و در واداشتن اهلش به نماز مأمور به «اصطبار» شد، که جهد برای صبر کردن و شکیبایی نمودن است.^۱

اما راجع به اینکه «صبر جمیل» چگونه صبری است، در حدیث است که جابر از حضرت باقر علیه السلام همین مطلب را می‌پرسد، امام می‌فرماید:

صبری است که در آن شکایت به مردم نشود؛ یعنی از مصیبتی که به وی رسیده شکوه نکند و به تقدیر الهی راضی باشد.^۲ حضرت امام سجاده علیه السلام همین معنی را در دعای پانزدهم صحیفه از خداوند می‌طلبند: «بار خدایا! دوستی و مصاحبت با فقیران را محبوب من قرار ده، و در نشست و برخاست با آنان مرا به صبر جمیل یاری فرما» (ص ۳۲۸).

نیز در دعای دیگری می‌فرمایند: «وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ»: خدایا بیشترین

حمد و سپاس را در راحتی می‌طلبیم، و نیکوترین شکیبایی را هنگام مصیبت.^۳

استعانت از صبر

از چنین صبر نیکو و زیبایی باید برای عبادت و رویارویی با مصائب کمک گرفت، چنان که در کتاب خدا می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۳): ای مؤمنان! از صبر و نماز کمک بگیرید که همانا خدا با صابران است.

قرآن کریم در این آیه به جای اتکاء به غیر و یاری خواستن از همانندان، تکیه به نیروهایی را که آفریدگار در نهاد ما گذاشته تعلیم می‌دهد که یکی از آنها «صبر» است؛ یعنی قدرت روحی که می‌تواند دشواری عبادت را آسان گرداند و در غلبه بر شدائد و سختیهای زمانه ما را یاری کند؛ مخصوصاً که با نماز همراه و همبر شود، زیرا نماز راه ارتباط مستقیم با مبدأ متعال است، و جان و روان نمازگزار را روشن‌بینی و نیرو می‌بخشد. از این رو است که در حدیث آمده: هنگامی

۱- ﴿وَأْمُرْ أَمْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ (طه/۱۳۲).

۲- الأصول من الکافی، ج ۲، ص ۹۳، ح ۲۳.

۳- الصحیفه الجادیه الجامعه، دعای ۱۶۴، ص ۳۷۹.

که حضرت علی علیه السلام با مشکلی بر می خورد به نماز می پرداخت و پس از آن در پی حل مشکل بر می آید، و آیه مذکور را (در توجیه عمل خود) تلاوت می کرد.^۱ تأکیدی که در پایان آیه در همراهی خداوند با صابران شده، نیز تأییدی است بر اینکه او مدد رسان و کمک کار شکیبایان است.

صبر در قرآن

صبر در کتاب خدا بازتاب گسترده و چشمگیری دارد، بدان حد که بسامد آن در قرآن ۱۰۵ بار است.^۲ افزون بر آیاتی که به مناسبت نقل شد این آیات نیز یادکردنی است: خدای تعالی هم صابران را دوست دارد: ﴿وَأَلَّهِ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران / ۱۴۶) و هم با آنهاست: ﴿وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال / ۴۶).

واضح است این معیّت، همراهی مکانی و قرب جسمانی نیست، بلکه رحمت و عنایتی خاص است که نزول خیرات و برکات را در پی دارد، و سبب دلگرمی و تقویت روحی صابران می گردد. این توان بخشی و تقویت روحی تنها در صحنه زندگی و تحمل دشواریهای پیش آمده نیست، بلکه در میدان جهاد هم می باشد، زیرا در همین سوره می فرماید:

اگر از شما صد تن صابر و پایدار باشند باید بر دویست تن غلبه کنند، و اگر هزار تن صابر باشند - به اذن خدا - بر دو هزار تن پیروز گردند. در پایان آیه می خوانیم: ﴿وَأَلَّهِ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال / ۶۶). در این آیات اولاً «صبر» در مورد مقاومت و استقامت دلیرانه در میدان نبرد است نه صبری از روی ضعف یا اجبار. ثانیاً چنین استقامتی، معیّت رحمت و عنایت و مدد رسانی آفریدگار را به دنبال دارد و موجب پیروزی جهادگران می گردد.

صبر و امتحان الهی

از سنتهای فراگیر و حتمی خدای تعالی «امتحان» انسانهاست که در آیات نخستین سوره عنکبوت به آن تصریح شده تا خداوند راستگویان و دروغ گویان را معلوم و معرفی نماید و علمش مصداق خارجی پیدا کند. این آزمون با قرار گرفتن انسان در شرایط و اوضاع گوناگون صورت می گیرد، چنان که در این آیه می فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنْ

۱- رک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۵۳، ۱/۳۸۰.

۲- رک: محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، چاپخانه قدس (قم): چاپ ششم، بهار ۱۳۸۴.

الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ
مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ
عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُهْتَدُونَ ﴿﴾ (بقره / ۱۵۵ - ۱۵۷).

در آیه مذکور انواع بلاهایی که برای بشر
پیش می‌آید از ترس که ناراحتی روحی
است، و گرسنگی که جسمی است و کاهش
در مال و جان و ثمرات کشت و زرع، همه را
بر می‌شمرد و به صابران که شکیبایی و
پایداری می‌کنند بشارت می‌دهد. در معرفی
بیشتر صابران می‌فرماید: کسانی که چون
مصیبتی و بلایی به آنها رسد گویند ما از آن
خداییم، ملک اویسیم و باز به سوی او بر
می‌گردیم و این حوادث گذراست، و بسا که
بعد از عسر و سختی یُسْر و آسانی پیش آید.
کسانی که چنین جهان‌بینی‌یی دارند و
مقابله‌شان با رویدادهای ناگوار این گونه
است صلوات و رحمت پروردگار شامل
حالشان می‌شود و اینانند که رستگار
می‌شوند و از محتتها رها می‌گردند. بنابر این
در تفکر قرآنی راه نجات از مصائب گوناگون
صبر و پایداری است نه بی‌تابی و
سراسیمگی.

در مقدمه گفتیم این بلاها و گرفتاریها - که
در موارد بسیار ما خود اسبابش را فراهم

می‌کنیم - لازمه زندگی مادی و حیات این
جهانی است. اکنون می‌افزاییم هر چند بلاها
و مصائب ناخوشایند و آزار دهنده است، اما
فایده‌ای بزرگ در بر دارد و آن پختن و
ساختن و تربیت کردن انسان است، همچون
فلزات که در کوره ناخالصی‌اش گرفته
می‌شود و آماده برای کاربرد و استفاده
می‌گردد. یعنی انسان تا در زیر ضربات
مصائب قرار نگیرد استعدادهایش آشکار
نمی‌شود و پرورش نمی‌یابد. این حقیقت را
از لغاتی که در قرآن مجید برای بیان معنی
آزمون به کار رفته می‌توان استنباط کرد زیرا
از مصدرهایی است که همه‌گرفتاری و
ناراحتی را می‌رساند، چنانکه «لَا يُفْتَنُونَ»
مصدر ثلاثی‌اش «فتنه»، و «نَبَلُّوْكُمْ» و
«نَبَلُّوْكُمْ» مصدرش «بلاء» است و امتحان
مصدر مجردش «محنت» می‌باشد. پس
لازمه آزمایش قرار گرفتن افراد در بوتۀ
تفتیده بلا و فتنه و محنت است، تا سرانجام
علم آفریدگار به باطن آفریده‌هایش ظاهر
شود و آنچه در باطن دارند - و خدا می‌داند -
علنی شود و سزاوار ثواب یا عقاب گردند.

اما مصائب و سختیهایی که برای انبیا و
اولیا - که زیدگان خلقند - پیش می‌آید و ستم
یا آزار دشمنانشان می‌باشند، هدف دیگری
برایش گفته‌اند که ترفیع مقامات عرفانی و

درجات اخروی آنان است، و از دیگر سو نمونه‌های عملی صبر و رضا و توکل و تسلیم و جهد و جهاد می‌باشد، تا امت سیره و رفتارشان را سرمشق و الگو قرار دهند و بدانند آنچه به صورت نظری تعلیم می‌دهند خود نخستین گرونده و عمل‌کننده به آن هستند و مثلاً ایثار یا مواسات الفاظی عمل نشده و بی‌مصدق نیست. در کتاب خدا و سیره انبیا و ائمه دین سرگذشت آنان آمده و بحث بعدی نمونه‌ای از آنهاست.

صبر پیامبران، نماد برترین مقاومت

امتیاز و برجستگی مهم پیامبران الهی بر فلاسفه و دانشمندان این است که «اهل عمل»، هستند و مردم را به عقیده و کرداری دعوت می‌کنند که قبلاً خود بدان ایمان راسخ دارند، ایمان قلبی - نه نظری - که منشأ عملی مؤمنانه می‌شود، و این‌گونه است صبر انبیا و اولیای خدا. برای شاهد یافتن و استدلال بر این واقعیت، لازم نیست کتابهای «قصص الانبیاء» را بخوانیم، بلکه کافی است به کتاب خدا و تفسیر آیات مربوط مراجعه کنیم تا صبر و پایداری رسولان الهی را در ابلاغ کلمه توحید و پیام آفریدگار متعال ببینیم. برای اینکه از موضوع اصلی دور نشویم از انبیای گذشته به صبر دو تن بسنده می‌کنیم:

نخست باید از صبر شگرف منادی توحید حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل یاد کنیم که آموختنی است. حضرت ابراهیم خلیل در بوته‌های مختلف امتحان قرار گرفت و به جان، مال، زن و فرزندش آزموده شد، اما در میان این آزمونه‌های دشوار «ذبح فرزند» دشواری مضاعف داشت و صبر و تحمل فوق تصور ما را می‌طلبد؛ زیرا به کاری شگفت و امتحانی پُر محنت مأمور شده بود: کشتن نوجوانی بی‌گناه! آن هم به دست پدری شیفته او. از سوی دیگر یقین داشت آنچه در خواب دیده که به این عمل ظاهراً ناصواب دست بزند صواب است و از جانب حق تعالی؛ زیرا او دیده بود، آن هم سه شب پیاپی، و می‌دانیم دیدن برتر از شنیدن است و یقین آورتر. بنابر این خلیل الله از علم الیقین و عین الیقین گذشته به حق الیقین رسیده بود و در حدّ خود از اسرار پشت پرده ظاهر خبر داشت، پس امتحانی مناسب این مقام باید می‌داشت و طبعاً صبوری همسنگ این یقین،

۱- ﴿قَالَ يَا بُرِّئِ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى﴾ (صافات / ۱۰۲): «گفت: ای سرک من! من در خواب می‌بینم که تو را سر می‌برم پس ببین چه به نظرت می‌آید؟»

توجهی دیگر از سبب این امتحان توان کرد که هر چند ذوقی است، اما در آیین محبت و خُلت صواب و پذیرفتنی است:

«اما ابتلای^۱ خلیل به ذبح فرزند آن بود که یک بار خلیل در جمال اسماعیل نظاره کرد. التفاتش^۲ پدید آمد. آن تیغ جمال او دل خلیل را مجروح کرد. فرمان آمد که یا خلیل! ما تو را از آزر و بتان آزری نگاه داشتیم تا نظاره روی اسماعیل کنی؟ رقم خُلت^۳ ما و ملاحظه اغیار به هم جمع نیاید...

با دو قبله در ره توحید نتران رفت راست

با رضای دوست باید با هوای خویشتن
از روی ظاهر قصه ذبح معلوم است و معروف،
و از روی باطن به لسان اشارت مراورا گفتند: به
تیغ صدق دل خود را از فرزند بپر... خلیل فرمان
شنید. مهر اسماعیل از دل خود جدا کرد. ندا
آمد که: ﴿يٰۤاِبْرٰهِيْمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيٰۤا﴾
(صافات، قسمی از آیه ۱۰۴ و ۱۰۵).^۴

باری، به صریح قرآن چون حضرت
ابراهیم خوابش رابه پسر گفت او پاسخ داد:
ای پدر! مأموریت خود را انجام ده،
﴿سَتَجِدُنِيْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ﴾ (صافات /
۱۰۲): به خواست خدا مرا از صابران
خواهی یافت! و می دانیم هر دو تسلیم
فرمان، حکم را اجرا کردند. اما در لحظه آخر
ورق برگشت؛ یعنی خدای مهربانتر از پدر و
مادر، این تسلیم و صبر و استقامت در اجرای
فرمان را عمل شده حساب کرد و فرمود:

﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّءْيٰۤا﴾ (صافات / ۱۰۵) حقا که
خوابت را حقیقت بخشیدی [و عملی
کردی]، و ذبحی عظیم را بلاگردان آن
نوجوان صابر گرداند. آری! خدای مهربان
این گونه نیکوکاران را پاداش می دهد. این
پاداش تنها در آن زمان نبود، بلکه خاطره آن
جاویدان گشت و، هر ساله در کنگره جهانی
حج کشورهای مسلمان، آن رسم قربانی و
ذبح تجدید می شود.^۵

دومین نمونه صبر و مقاومت انبیا در برابر
حوادث تلخ زمانه، سرگذشت حضرت
یوسف است با پدری شیفته او. حوادث
زمانه برای آن دو به صورتی پیش می آید که
گویی خدای تعالی تحولات گوناگون
زندگانی انسانها را در حیات یک پیغمبر زاده
و پدرش گرد آورده تا به ما نشان دهد، و
روش رویارویی با فراز و نشیب احوال و
پیشامدها را تعلیم دهد.

۱- ابتلا: آزمودن، گرفتار شدن.

۲- التفات: بازنگریستن، روی آوردن و توجه.

۳- رقم خُلت: نشان دوستی.

۴- ابوالفضل رشیدالدین مبینی، کشف الأسرار وعُدَّة
الأنوار، به اهتمام علی اصغر حکمت، ۱/۳۵۲: با
تلخیص.

۵- تفسیر آیات را در تفسیرها و از جمله تفسیر نمونه،

۱۰۸/۱۹ - ۱۱۸ می توان دید.

این سرگذشتِ جالب توجه که به نام «أَحْسَنُ الْقَصَصِ» و قصه یوسف علیه السلام معروف شده داستان تخیلی - مانند سایر قصه‌ها - نیست، بلکه بُرشی از تاریخ روزگار آنهاست با همه زشتیها و زیبائیهایش به صورت واقعی. اکنون در ارتباط با موضوع نوشته، صبر و خویشتن‌داری این دو پیامبر را در پیشامدهای دشوار به اشاره یادآور می‌شویم و شرح حوادث را به تفسیرها وامی‌گذاریم.

نخستین حادثه ناگوار که از حسد برادران سرچشمه می‌گرفت پنهان کردن یوسف در چاه^۱ و آوردن پیراهن او با خونی دروغین نزد پدر بود، با این بهانه که گرگ او را خورده. بدیهی است شنیدن این خبر و از دست دادن عزیزترین فرزند، آغاز غمی جانکاه و اندوهی با ناله و آه برای یعقوب بود. اما او بدون اینکه عکس‌العمل زشتی از خود نشان دهد گفت: ﴿فَصَبِرْ جَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾ (یوسف / ۱۸): من صبیری جمیل می‌کنم (و ناسپاسی نخواهم کرد) و از خداوند در برابر آنچه شما می‌گویید یاری می‌طلبم.^۲

از دیگر سو یوسف هم در چاه، دل از یاری همه بریده به درگاه خدای مهربان می‌نالد و از او یاری می‌طلبد. از قضا کاروانیان که از آنجا می‌گذشتند، به جای آب

- ندانسته و نخواسته - او را بیرون آوردند. شادمانه گفتند مژده که نوجوانی زیباست! و او را به بهایی اندک فروختند.

یوسف خرسند از اینکه دعایش به اجابت رسیده و سالم از چاه برآمده است، اما غمگین که از پدر جدا شده به بردگی به فروش می‌رسد. البته این ظاهر حال است، اما در باطن آرامش و صبر دارد و مطمئن است آنچه برایش پیش آید پایانش عافیت و خیر است.

یعقوب، داغدار فرزندِ دلبندهش، سالها را سپری می‌کند و از نور چشم و ثمره وجودش بی‌خبر است. می‌سوزد و می‌سازد، ولی سخنی ناروا نمی‌گوید و صبوری زیبا و نیک می‌کند.

حادثه مهم دیگری که برای آن جوان زیبا و فریبا پیش می‌آید و او را در سخت‌ترین آزمونهای زندگی قرار می‌دهد عاشق شدن همسر عزیز مصر به اوست. یوسف جوان که صحنه شهوت در خلوت برایش آماده شده

۱- تعبیر آیه ۱۵ سوره یوسف می‌رساند که «او را در چاه پرتاب نکردند بلکه پایین بردند و در فعر چاه. آنجا که سگرومانندی برای کسانی که در چاه پایین می‌روند... درست می‌کنند قرار دادند» (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۴۹).

۲- ترجمه از تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۴۰.

بود، چه نیرویی می توانست او را از آلودگی به لذتی گذرا باز دارد؟ جز صبری برخاسته از ایمان و تقوایی ناشی از دیدن برهان! خدای تعالی این گونه با توفیق خود بدی و فحشا را از او دور ساخت؛ چون از بندگان مخلص بود و دور از گرایش به غیر حق.^۲

حادثه تلخ و شوم دیگری که برای آن جوان پاکدامن پیش آمد به زندان افتادنش بود، اما نه به سبب جنایت یا خیانت، بلکه به واسطه عصمت و خودداری و پرهیز از کامجویی زنی هوسران. او - چنان که سزاوار و شایسته بود - در زندان هم صبر و طهارت خود را حفظ کرد، و خدای تعالی با دادن علم تعبیر خواب کلید رهایی اش را به او داد تا سرانجام پاک و سربلند رهایی یافت و به عنوان نگهبان امین و کاردان (حفیظ علیم) فرمانروای مصر شد.

از حوادث دیگر در می گذریم تا به پایان قصه شیرین او برسیم، و بالعیان ببینیم صبر و تقوا که علم و صداقت و امانت را در پی داشت چگونه عاقبت خیر را برایش رقم زد، و علاوه بر رسیدن به حکومت، به دیدار پدر پیرش در حالی که بینا و شادمان شده بود رسید، و صبر جانکاه آن پیامبر دل آگاه، هم پایانی خوش و سروربخش داشت.

تأمل و تدبّر در کل داستان نشان می دهد

که کانون موفقیت و عافیت آنها - با وجود تلخیها و سختیها - صبر جمیل، خویشتن داری و حبس نفس بود، که در حدیثی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از آن به «حریت» و آزادگی تعبیر شده: آزاد مرد در همه احوال آزاده است گرچه بلاها بر سرش ریزد و مصائب بر او هجوم آورد. این دشواریها [شخصیت] او را نمی شکند و زبانی به آزادگی اش نمی زند، هر چند اسیر و مقهور شود، چنانکه یوسف صدیق امین این گونه بود. بلی صبر و خویشتن داری سرانجام نیکی در پی دارد، پس شما [شیعیان] شکیبایی کنید و خود را برای صبر آماده کنید تا پاداش آن را بیابید.^۳

۱- درباره اینکه «برهان» (در آیه ۲۴) چه بوده تفسیرها گونه گون است: ایمان، علم، حکمت، واقع بینی مانند اینها همه می تواند برهانی باشد که پروردگار به او ارائه داد.

۲- درباره تفسیر صحیح «وهم بها» رک: قرآن کریم، ترجمه و توضیحات بهاء الدین خرمشاهی، ذیل صفحه ۲۳۸ که به نقل از تزیه الأنبياء تألیف علم الهدی سیدمرتضی چند توجیه درباره آن دارد. که روشن ترین آنها این است: «آن زن قصد او کرد و او [یوسف] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود قصد آن زن می کرد» ولی چون برهان را دید این کار را نکرد (جمله شرطی است).

۳- الاصول من الکافی، ۱/۲، ح ۶.

رَبِّكَ» (طه / ۱۳۰): «پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی». به واسطه این خطابه بود که رسول اکرم اسلام ﷺ بیش از همه رسولان در ابلاغ رسالتش جهد و جهاد کرد تا توانست اسلام را در سرزمین عربستان گسترش دهد و اخوت دینی و عدالت اجتماعی را بین اقوامی جاهل و جنگجو برقرار سازد، به علاوه با نامه‌هایی که به شاهان و سران دیگر کشورها نوشت آنان را هم به اسلام و توحید و رسالتی که داشت دعوت کرد.^۵ شرح صبر و پایداری و کوشش

گرچه پیامبران بزرگ در راه انجام دادن مأموریت و ابلاغ پیامشان، همه با مشکلات و سختی‌هایی بیش از معمول مواجه می‌شدند و آزار می‌دیدند، اما هیچ کدام به قدر خاتم پیامبران ﷺ آزار و اذیت نشدند، که رنج آن پیامبر رحمت هم رنج روحی بود هم آزار جسمی، هم غم امت بود و هم غصه عترت.^۱ در برابر اهانتها و تهمت‌های مشرکان و کینه‌توزی و کارشکنی منافقان و جاهل تازه مسلمانان می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي إِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».^۲ چون دل پر مهرش از عناد و لجاج کافران به ستوه می‌آمد خدای مهربان با خطاب: «وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا» (طور / ۴۸): «و در برابر دستور پروردگارت شکبایی کن که تو خود در حمایت مایی».^۳ به حضرت آرامش و دلگرمی می‌داد. در برخورد با کافرانی که رستاخیز را منکر شده در همین دنیا عذاب موعود را می‌خواستند صبر و بردباری رسولان اولوا العزم^۴ پیشین را یاد آور می‌شد: «فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ» (احقاف / ۳۵): «پس همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند، صبر کن و برای آنان شتابزدگی به خرج مده». همچنین در برابر یاوه‌گوییهای منکران می‌فرمود: «فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

۱- العنزة: ولد الرجل وذريته وعقبه من صلبه (سعيد الخوري الشرتوني اللبناني، أقتب المواد في فصح القرية والشوارد، چاپ اُفتست رشديه).

۲- بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۹۶.

۳- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ سوم، آیات بعد نیز از همین ترجمه است.

۴- ابن منظور درباره رسولان صاحب عزم که فرمان خدا را - در آنچه از آنان پیمان گرفته بود - اجرا کردند می‌نویسد: در کتب تفسیر آمده که آنان: حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام می‌باشند و محمد ﷺ نیز از اولوا العزم است (لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.).

۵- ر.ک: حمید الله - دکتر محمد، نامه‌ها و پیمانهای سیاسی

آن حضرت از حوصله این نوشته بیرون است و صفحات تاریخ اسلام روشنگر آن می باشد.

عترت پیامبر اسلام نماد بیشترین صبر

از نمونه های برجسته و با شکوه صبر در کتاب خدا توصیف صبری است که عترت پیامبر ما یعنی امیرمؤمنان علی و حضرت فاطمه و حسین علیهم السلام «لِسُجَّةِ اللَّهِ» انجام دادند، به این صورت که سه روز بر گرسنگی روزه نذری صبر کردند و خوراک خود را که قرصی نان بود به فقیر و یتیم و اسیر بخشیدند و خود با آب روزه گشودند. این صبر شگفت و بس دشوار با نیتی خالص و خدایی بدون چشمداشت پاداش و تشکری انجام گرفت.^۱ خدای شکور این صبر مخلصانه و ایثار مؤمنانه را - با گرسنگی که داشتند - ستود و در کتاب خود یاد کرد و بهترین پاداش را به آنان بخشید و فرمود:

﴿وَجَزَّيْنَهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾
(انسان / ۱۲): «و به [پاس] آنکه صبر کردند، بهشت و پرنیان پاداششان داد.»

مطالعه شرح احوال و سیره سایر معصومین هم نشان می دهد که همه آنان در اوضاع و شرایط گوناگون زمانه، مظهر تام و نمونه تمام از صبر بودند، و در برابر ظلم

حکومت های جائر امویان و عباسیان و تنگنمایی که در دفاع از کیان اسلام راستین برایشان پیش می آوردند، استوار و صبورانه می ایستادند و با عزمی راسخ به هر وسیله ممکن رسالت الهی و وظیفه امامت خود را انجام می دادند، چنان که حضرت علسی بن الحسین زین العابدین علیه السلام که شاهد صحنه های فجیع کریلا و شهادت پدر و خویشان خود بود در مجلس یزید و بعد از آن قبل از ورود به مدینه همه جا به افشای ظلم های یزید و یزیدیان پرداخت آ و دودمان والای خود و اهل بیت عصمت را معرفی کرد تا نسته های دروغ که به آنان داده بودند از صفحه ذهنها زدوده شود. همچنین آن حضرت با انشای ادعیه ای که بعداً صحیفه سجادیه نام گرفت معارف و حقایق ناب اسلامی را تعلیم می دادند، و با آزاد کردن

→ حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اسناد صدر اسلام، ترجمه دکتر سید محمد حسینی، سروش، ۱۳۷۷ ش.

۱- انسان / ۹: «ما برای خشنودی خداست که به شما می خورائیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.»

۲- رک: عبدالرزاق موسوی مقرم، زندگانی امام زین العابدین علیه السلام، ترجمه حبیب روحانی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ص ۵۰۹-۵۱۴.

غلامانی که خریده و تربیت کرده بودند^۱ عملاً برده‌داری را نفی و آداب مسلمانی و ولایت علوی را به وسیله آنان تبلیغ می‌کردند.

صبر و امامت

ابوالفضل رشیدالدین میبیدی که از اصحاب حدیث و مفسری نکته‌گوست به مناسبت آیه ۱۲ سوره ابراهیم در فضیلت صبر سخنی نقل کردنی دارد:

کمال شرف و فضیلت صبر را؛ رب العزّه در قرآن زیادت از هفتاد جای «صبر» یاد کرده، و هر درجه‌ای که آن نیکوتر و بزرگوارتر با^۲ صبر حوالت کرده. درجه‌ای بزرگوارتر از امامت در راه دین نیست و با صبر حوالت کرده که: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾^۳ (سجده / ۲۴). مزد بی نهایت و

ثوابی بی‌شمار با صبر حوالت کرده که: ﴿إِنَّمَا يُؤْتِي الضَّالِّينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر / ۱۰).^۴ صلوات و رحمت و هدایت کس را به هم جمع نکرد مگر صابران را، گفت: ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ «(بقره / ۱۵۷).^۵

«و در خبر است که صبر گنجی است از گنجهای بهشت، و اگر صبر مردی بود، مردی کریم بودی. و عیسی علیه السلام را وحی آمد که ای عیسی! نیابی آنچه خواهی تا صبر کنی بر آنچه خواهی.»^۶

می‌بینیم این مفسر غیر شیعی امامت در

دین را موکول به صبر کرده، و راستی که امامان معصوم و منصوص از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مصداق کامل - بلکه منحصر به فرد - کسانی بودند که برای «هدایت به فرمان خدا» صبر کردند و پایداری نمودند و به گواهی تاریخ تشیع جهد و جهادی علمی و عملی داشتند.

شایان ذکر است که صبر ائمه ما نه از ناچاری یا ضعف، بلکه از این جهت بود که آنان خواستی از خود نداشتند، و در معرفت حق تعالی به این مرتبه رسیده بودند که به مصداق ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾ (انسان / ۳۰، تکویر / ۲۹) می‌دانستند که پروردگار جهانیان و مدبّر جهان مشیت و خواستش برخواست آفریده‌هایش مقدم است، و

۱- ر.ک: دکتر سید جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین علیه السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۰۸-۱۰۹.

۲- با: با صبر حوالت کرده: به صبر وابسته کرده.

۳- «چون شکیبایی کردند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.»

۴- «بی‌تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.»

۵- «برایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه یافتگان [هم] خودایشانند.»

۶- کشف الأسرار و عذّة الأبرار، ۲۴۷/۵ - ۲۴۸.

اصولاً در برابر قضا و قدر الهی راضی بودند و همان را «بهترین گزینه» می دانستند که آفریدگار برای بنده اش بر می گزیند. حدیثی که ابوحزمه ثمالی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل می کند روشنگر مطلب است که فرمود: صبر و راضی بودن از خدا برترین طاعت خداست. کسی که صبر کند و از خدا در آنچه برایش حکم کرده خواه دوست داشته باشد یا نداشته باشد راضی باشد، خدای عزوجل - در آنچه دوست دارد یا ندارد - جز آنچه برایش بهتر است حکم نمی فرماید^۱. نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: صبر نتیجه خیر در پی دارد؛ پس شکیا باشید تا پاداش ببینید.^۲

صبر و بهره گیری از آیات الهی

جزء پایانی چهار آیه که در سوره های ابراهیم، لقمان، سبا و شوری آمده عبارت است: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ است: در سوره ابراهیم آیه ۵ تذکر به «ایام الله» داده شده که بیرون آوردن قوم حضرت موسی از ظلمات به نور است، سپس این نعمت آیتی برای «صَبَّارِ شَكُورِ» شمرده شده. در سوره لقمان آیه ۳۱ و شوری آیه ۳۳، حرکت کشتی در دریا و سکون آن با نیامدن باد، آیتی از قدرت آفریدگار برای «هر پُرسِ صَبِرٍ

شکرگزاری» ذکر شده. بالأخره در سوره سبا آیه ۱۹ عذابی که به واسطه ظلم قوم سبا بر آنها وارد شد نشانی برای هر «صَبَّارِ شَكُورِ» گفته شده است.

جای این سؤال است که چرا این حوادث برای «صَبَّارِ شَكُورِ» آیت الهی شمرده شده نه مثلاً توکل کنندگان؟ آنچه به نظر می رسد^۳ این است که صبر و تحمل چون با شکر - که نتیجه توجه به نعمت و منعم است - توأم باشد آرامش روحی و فرصت تأمل را به شخص می دهد، پس این دو صفت - آن هم به صورت مبالغه - «صَبَّارِ» و «شَكُورِ» آمادگی بیشتر صابران و شاکران را برای بهره مندی از آیات الهی می رساند، و در نتیجه بر ایمان و یقین آنها می افزاید و پیمودن مراحل قرب حق تعالی را سرعت می بخشد.

صبر و تقوا

صبر که «حبس نفس» معنی شده، با تقوا که خودداری و پرهیز از گناه است مفهومی نزدیک به هم دارند، و هر دو از فضایل مهم

- ۱- الأصول من الکافی، باب الرضا بالقضاء، ۲/۶۰، ح ۳.
- ۲- همان، ۲/۸۹، پایان حدیث ۶.
- ۳- در تفسیر نمونه، مجلدات ۱۰، ۱۷ و ۱۸ ذیل آیات مذکور توجهی دیگر آمده است.

اخلاقی اند. بر این دو خصلت که توأمان و گاه لازم و ملزوم هم می‌باشند در قرآن کریم آثاری مهم بار شده که در بحث از «صبر» یاد کردنی است. در سوره آل عمران می‌خوانیم:

﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ (قسمتی از آیه ۱۲۰): «و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند». و در همان سوره آمده:

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آیه ۱۲۵): «آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بسر شما بتازند [همان‌گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار، یاری خواهد کرد.»

آری! اگر بنده با معرفت تقوا پیشه کند و در برابر دشواریهای جهاد با کفار شکیبایی ورزد یقیناً خداوند کید دشمنان را دفع و امداد غیبی‌اش را نازل خواهد کرد، همان گونه که در مورد حضرت یوسف علیه السلام - پس از صبر و تقوایی که از خود نشان داد - می‌فرماید: «بی‌گمان هر که تقوا و صبر کند خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند.» (یوسف / ۹۰).

صبر و توکل

توجه به معنی اصل صبر - که حبس نفس و استقامت در مقابله با دشواریهاست - می‌رساند که با دیگر محاسن اخلاقی و کمالات روحی ارتباط تنگاتنگی دارد، که از آن جمله پیوستگی صبر با توکل است. توکل تکیه کردن به قادر متعال و کار خود را به او وا گذاشتن است و این نشانِ توحید و بندگی است.^۱

بدیهی است هنگامی که شخص اتکاء به پشتیبان نیرومندی دارد پایداری و صبرش در هجوم مشکلات بیشتر است تا زمانی که نقطه امید و تکیه‌گاهی ندارد. در آیاتی از کتاب خدا به این واقعیت اشاره شده: «و کسانی که پس از ستم‌دیدگی در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود. همانان که صبر نمودند و پروردگارشان توکل می‌کنند.»^۲

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی

۱- این معنی منافات ندارد با اینکه شخص متوکل به اسبابی که سببیت آنها برایش ظاهر گشته و دردسترس او هستند، تمسک جوید (المیزان، ۵۲۷/۱۲، به نقل از: علی تاجدینی، فرهنگ جاودان المیزان، توکل).

۲- نحل / ۴۱-۴۲.

از بهشت جای می‌دهیم... همان کسانی که شکیبایی ورزیده و بر پروردگارشان توکل نموده‌اند.^۱

تواصی به صبر

سوره کوتاه و پر معنی «العصر» که به تعبیر صاحب المیزان همه معارف قرآن و مقاصد گوناگون آن را به صورت خلاصه و موجز در بردارد^۲، بعد از اینکه نوع انسان را - که از سرمایه عمر درست بهره نمی‌گیرد - در زیان و خسران معرفی می‌کند، کسانی را استثنا می‌کند که پس از ایمان و عمل صالح تواصی به حق و تواصی به صبر می‌کنند. تواصی که از باب تفاعل است معانی: به یکدیگر وصیت کردن، وصیت به تدریج و پیاپی، پذیرش وصیت از دیگران، همه را می‌رساند.^۳ تاکنون اهمیت «صبر» را دریافتیم، اینک به توصیه آیه مذکور ضروری است این فضیلت مهم را به دیگران هم توصیه کنیم، مخصوصاً که در این سوره کوتاه و فشرده بعد از تواصی به حق - که عقیده صحیح و عمل نیک هر دو را در بردارد - تواصی به صبر آمده با تأکید و اهتمام به آن.^۴ چون لازمه عمل به حق سختی و گرفتاری است، لذا به صبر که تحمل و استقامت در راه سختهاست توصیه شده است. در واقع صبر

در موارد بسیار، نیروی است که اجرای هر حقی و ترک هر ناحقی را ممکن می‌سازد، چنان که ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام نقل می‌کند که چون زمان رحلت پدرم علی بن الحسین علیه السلام فرا رسید، مرا به سینه‌اش چسباند و گفت: ای فرزندم تو را به آنچه پدرم هنگام شهادتش سفارش کرد و به آنچه پدرش به او سفارش کرده بود توصیه می‌کنم: «یا بُنَیْ اِصْبِرْ عَلَی الْحَقِّ وَاِنْ كَانَ مُرًّا»: در اجرای حق پایدار باش، هر چند تلخ باشد.^۵

تعبیر غلط از صبر

چون صبر بیشتر در مورد مصائب و گرفتاریها به کار می‌رود بعضی گمان می‌کنند صبر توصیه به قبول ظلم (انظلام) و تحمل جنایت و حقوق ضایع شده انسان است گرچه به وسیله حاکمان ستمگر انجام گیرد. با توضیحاتی که درباره معنی اصلی صبر و

۱- عنکبوت / ۵۸-۵۹.

۲- السید محمد حسین الطباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق، ج ۲۰، ص ۳۵۵.

۳- محمد تقی شریعتی، تفسیر نوین، شرکت سهامی انتشار، شهریور ۱۳۴۶، ص ۳۲۳.

۴- المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۷.

۵- الأصول من الکافی، باب الصبر، ۹۱/۲، ح ۱۳.

مواردش دادیم نادرستی این دریافت از مفهوم صبر روشن می شود.

رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای - دامت افاضاته - سالها پیش از انقلاب اسلامی به روشنگری پرداخته، این حقایق را در سخنرانیهای خود بیان می کردند، و بر حبس و گرفتاری که در پی داشت صبر می کردند، به تناسب بحث اندکی از آن سخنرانی - که در مسجد کرامت مشهد ایراد شده - نقل می شود:

«معمولاً صبر را به معنای «تحمل ناگواریها» معنا می کنند. این تعبیر... هنگامی که در یک جامعه ستمکش و بی اراده و اسیر عوامل فساد و انحطاط مطرح شود بزرگترین وسیله برای ستمگران و مفسدان و بزرگترین عامل و منبوق عقب ماندگی و انحطاط و فساد خواهد شد. (ص ۶).

اگر صبر را طبق دلالت صریح و بی شائبه آیات و روایات تفسیر کنیم نتیجه درست به عکس استنتاج رایج است. با این نگرش صبر به اهرمی تبدیل می شود که سنگین ترین موانع و بزرگترین مشکلات را با سهولت و توأم با نتیجه گیری مثبت بر طرف می سازد (ص ۸).

مفهوم اجمالی صبر: بنا بر آنچه مجموعاً از روایات به دست می آید صبر را این گونه می توان تعریف کرد: مقاومت آدمی در راه تکامل، در برابر انگیزه های شرآفرین، فسادآفرین و انحطاط آفرین^۱... (ص ۱۰).

صبر و معرفت

از نقل گفت و شنید پُر رمز و راز حضرت موسی علیه السلام در سوره کهف با فردی که قرآن از او به «عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا»^۲ تعبیر کرده صرف نظر می کنیم، اما نکته ای مناسب این مقال را یادآور می شویم:

در این سرگذشت آن پیامبر بزرگ نتوانست کارهای شگفت آور و ظاهراً خطای آن «بنده خدا» را که به نهانها علم^۳ داشت در ذهن خود تحلیل و توجیه کند، به این علت سه بار - بعد از سه کار شگفت آورش - بر او اعتراض کرد و هر سه بار یک پاسخ شنید:

﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾ «گفت تو هرگز

۱- سیدعلی خامنه ای، گفتاری در باب صبر، انتشارات غدیر، تهران، چاپ مشعل آزادی، قطع جیبی، آبان ۱۳۵۴، ۱۰۸ صفحه.

۲- این تعبیر به جای تصریح به نام، سبک قرآن مجید است که معمولاً وصف برجسته اشخاص داستان را ذکر می کند تا موضوع را تعمیم دهد، یعنی هر کس دارای چنین صفتی باشد چنان آثار بر عملش بار می شود. ثانیاً مقام الوالی «عبودیت» حق تعالی را - که آزادی و آزادگی را می بخشد - می رساند.

۳- از این علم به «علم لدنی» تعبیر کرده اند که برگرفته از این آیه است: ﴿وَعَلَّمَآه مِیْن لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف/۶۵): «و از نزد خود به او دانشی آموخته بودیم». علم لدنی - دانش از پیش خود و نیاموخته - مقابل دانش اکتسابی و تحصیلی است.

نمی توانی همپای من صبر کنی». (کهف / ۶۷، ۷۲ و ۷۵). پس از آنکه بنده نهدان، علت کارهای غیر معمولش را شرح داد و گفت: ﴿ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾ (کهف / ۸۲): «این بود تأویل آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی». آنچه از جواب می فهمیم این است که ما تا علم و اطلاع از امری پیدا نکنیم نمی توانیم آن کار یا حادثه را در ذهن خود تحلیل کنیم و بر رویدادش صبر نماییم. بنابراین باید تا می توانیم بر «معرفت» خود بیفزاییم و بدانیم که در پشت پرده ظاهر حوادث، راز و سبب ساز دیگری است که کارهایش در محدوده چشم ظاهر بین و کم سوی ما نمی گنجد، و تقدیرات آفریدگار جهان بی حد و مرز، بیرون از تجربیات محدود و اندازه گیرهای انسان خودمحور محدود است. بالا بردن سطح دانش و بینش دینی توجیه و تعلیل حوادث و تقدیرات خدای حکیم را بر ما آسان می کند، و در نتیجه درجه صبر و میزان تحمل و استقامت ما را افزایش می دهد، و زندگی را - با وجود پیشامدهای تلخ و دشوارش - خواستنی و قابل قبول می گرداند.

طلب صبر از پروردگار

از آنچه گفتیم اهمیت صبر برای عمل به واجبات و ترک محرّمات و رویارویی با

مصائب و بلیات روشن شد. بدیهی است که به دست آوردن این مهم بدون استمداد از خداوند صبر ممکن نیست. از این رو امام علی بن الحسین علیه السلام این گونه صبر جمیل را از پروردگار می طلبد: «وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ^۱: خدایا! بیشترین حمد و سپاس را در راحتی و زیباترین شکیبایی را هنگام مصیبت از تو می طلبم.

دو آیه قرآن مجید هم به شیواترین بیان صبر طلبیدن از خدای تعالی را آموزش داده، که با نقل آن سخن را به پایان می بریم، با این تذکر که مورد صبر در آیه نخست پایداری در سختیهای معركة جهاد است و آیه دوم استقامت در برابر کیفر فرعون ستمگر:

﴿قَالُوا رَبَّنَا أفرغ علينا صبراً وَتَبِّثْ أَثْمَانَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره / ۲۵۰): [مؤمنان سپاه طالوت هنگام رویارویی با جالوت و سپاهش] «گفتند: پروردگارا بر [دلهای] ما شکیبایی فرو ریز، و گامهای ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»

﴿رَبَّنَا أفرغ علينا صبراً وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ﴾ (اعراف / ۱۲۶): «پروردگارا! بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران.»

۱- الصحیفة السجّادیة الجامعه، دعای ۱۶۴، ص ۳۷۹.